

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال چهارم، شماره‌ی چهاردهم، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۰۷-۱۳۲

آثار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بیماری بادزدگی سیب‌زمینی در قحطی بزرگ ایرلند

حسین مسیگل*، حبیب‌اله حمزه زرقانی**

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ
در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود^۱

چکیده

در فاصله‌ی سال‌های ۱۸۴۵ تا ۱۸۴۹، قحطی عظیم ایرلند سبب نابودی بخش عظیمی از سیب‌زمینی این کشور شد که علت آن یک قارچ بیماری‌زای گیاهی بود. این فاجعه بزرگ، تغییرات زیادی را در اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرلند و بریتانیا موجب شد. عقاید مذهبی متعصبانه، خرافه‌پرستی ایرلندی‌ها و سیاست زیرکانه‌ی آمریکا در جذب مهاجران ایرلندی، تغییر در ادبیات ایرلند و... از موارد قابل تامل است. در این مقاله، سعی شده است هم‌کنش عوامل درگیر پیشینی و پسینی این اتفاق و درهم‌تنیدگی عوامل سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی این کشور نشان داده شود. ظهور علم بیماری‌شناسی گیاهی، به‌عنوان ثمره‌ی چندین قرن جستجوی دانشمندان در جریان این قحطی، تزلزل برخی پایه‌های سست علمی و لزوم توجه دانشمندان علوم انسانی در حوزه‌های اجتماعی، تاریخ و اقتصاد به عوامل اثرگذار بیولوژیک مانند تأثیر موجودات خسارت‌زا به محصولات کشاورزی در شکل‌گیری تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از دیگر نکاتی است که بر آن تأکید می‌شود. واژه‌های کلیدی: اروپای قرن نوزده، انقلاب صنعتی، بیماری‌شناسی گیاهی، قحطی بزرگ ایرلند.

* دانشجوی کارشناسی ارشد گیاه پزشکی دانشگاه شیراز. (hossein.masigol@gmail.com)

** استادیار گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز. (zarghani@shirazu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۴/۱۷ - تاریخ تأیید: ۹۲/۰۵/۱۴

۱. قرآن کریم، سوره یوسف، آیه ۱۱۱.

مقدمه (پیش از قحطی)

در قرن هجدهم، و در جریان انقلاب صنعتی، اروپا که عنان خود را به بزرگ‌ترین امپراطوری آن زمان، یعنی بریتانیای کبیر، سپرده بود؛ پیشرفت و تغییر را در تمامی عرصه‌ها به چشم دید. انقلاب در کشاورزی و صنعت نساجی، بوجود آمدن قوه‌ی بخار به عنوان یک منبع ارزان و در دسترس، پیشرفت در تولید ماشین‌آلات زراعتی و گسترش فراوان ارتباطات از طریق راه‌آهن و کشتی‌رانی توسط نیروی بخار و ظهور دوران تازه‌ای از علم پزشکی، تنها بخشی از این دگرگونی‌ها بود. در اثر این جهش، کیفیت زندگی مردم ارتقا یافت و جمعیت اروپا در طول قرن نوزدهم، دو برابر شد. از ابتدای قرن نوزدهم و پس از آن، پیشرفت‌های علمی در خور توجهی در تحقیقات مربوط به شیمی، نورشناسی، انرژی، ترمودینامیک، الکترومغناطیس و... رخ داد.^۱ ادبیات نیز همگام با دیگر تحولات این قرن، وارد دوران رمانتیک شد و این‌گونه به تحولات صنعتی و اجتماعی پاسخ داد. از سویی دیگر، روشنفکران و جوامع فرهنگی با گریز از تأکید بر خردگرایی، منطق و تجربه‌گرایی و علم، اکنون به دنبال حقایق متعالی‌تری بودند که بر اساس عواطف، تخیلات، نبوغ فردی و طبیعت بنا نهاده می‌شدند.^۲

با این اوصاف، اوضاع کشور ایرلند در این قرن، کاملاً متفاوت بود. قرن نوزدهم حوادث زیادی را برای ایرلند رقم زد. این کشور بر خلاف دیگر نقاط اروپا، آن‌چنان تحت تأثیر انقلاب صنعتی قرار نگرفت.^۳ ایرلند در ۱۸۰۰م، بیش از چهار و نیم میلیون نفر جمعیت داشت که از این عده، بیش از سه میلیون نفر کاتولیک رومی، پانصد هزار نفر وابسته به کلیسای پروتستان اسقفی و نهصد هزار نفر - که قسمت اعظم آن‌ها در نواحی شمال ایرلند سکونت داشتند - متعلق به فرقه‌های مختلف پروتستان بودند.^۴ این یکی از تفاوت‌های بارز بین ایرلند و دیگر نقاط امپراطوری بود، امپراطوری که پروتستان‌ها حرف اول و آخر را

1. Samir Okasha, (2002), *Philosophy of Science: A Very Short Introduction*, USA: Oxford University Press, p. 8, Gregor Mendel (1822-1884), Charles Darwin (1809-1882), James Clerk Maxwell (1831-1879), Max Karl Ernst Ludwig Planck (1858-1947), Bill Bryson, (2003), *A short history of nearly everything*, USA: Brodways, pp. 381-397, 115-133.

2. Hugh Honour, (2005), *World History of Arts*, United Kingdom: Laurence King Publishing, pp. 840-847.

3. Susan Campbell Bartoletti, (2001), *Black Potatoes: The Story of the Great Irish Famine, 1845-1850*, USA: Houghton Mifflin Company, p. 19.

4. Will Durant & Ariel Durant, (1935-1975), *The Story of Civilization*, Vol. 11, USA: Simon and Schuster, pp.510. (Pages is based on Online Version).

می‌زدند. در اواخر قرن هجدهم، به کاتولیک‌ها حق رأی داده شد و آن‌ها این فرصت را داشتند تا به مسندهای دولتی دست یابند، ولی کماکان از دسترسی به مقام‌های عالی، اشتغال به قضاوت و عضویت در مجلس ایرلند، محروم بودند. در واقع کاتولیک‌ها، تنها حق داشتند از بین نامزدهای پروتستان نماینده‌ای را راهی مجلس کنند. عالی‌ترین قدرت مجریه در ایرلند نیز توسط بریتانیا منصوب می‌شد، که عمدتاً از راه رشوه دادن و توزیع و فروش مقام‌های دولتی و مناصب، در مسیر سیاست‌های بریتانیای پروتستان گام برمی‌داشت.^۱

علاوه بر خفقان سیاسی، که ایرلند کاتولیک را در بر گرفته بود، املاک و اراضی این کشور نیز در تصاحب بریتانیایی‌ها و ایرلندی‌های پروتستان بود. کاتولیک‌ها تنها می‌توانستند زمین‌ها را اجاره کنند و یا روی آن‌ها به کشاورزی بپردازند. اجاره‌بهای زمین‌ها بیش از حد توان کشاورزان و کارگران بود؛ به گونه‌ای که بسیاری از مردم ایرلند در فقر و صفا نشدنی به سر می‌بردند. آن‌ها توانایی و البته انگیزه‌ای برای خرید ماشین‌آلات جدید نداشتند. صاحبان املاک هیچ‌گاه در ایرلند، حضور نداشتند و ذره‌ای تلاش برای افزایش بازده زمین‌هایشان نمی‌کردند.^۲ علاوه بر این بر اساس قوانین، به غیر از تولید منسوجات کتان که در مناطق پروتستان‌نشین ایرلند، صنعت غالب بود، دیگر محصولات کشاورزی و صنعتی ایرلند که بیشتر در مناطق کاتولیک‌نشین و فقیرنشین تولید می‌شدند از رقابت با محصولات مشابه در داخل مرزهای امپراطوری ممنوع شده بودند.^۳ ایرلند درجا می‌زد و در رکود مانده بود.

سال‌های پیش از قحطی، همه چیز را برای یک فاجعه‌ی انسانی گسترده، آماده کرده بود. هرچند سابقه‌ی درگیری‌های مذهبی خونین کاتولیک‌های ایرلندی و پروتستان‌های انگلیسی، به خیلی پیش‌تر و به حدود قرن پانزدهم بازمی‌گردد، اما ملغمه‌ی گرایش‌های متعصبانه‌ی مذهبی و سیاست‌های جانبدارانه، در کنار اوضاع معیشتی و البته کشاورزی طبقه‌ی کارگر و فقیر ایرلند، که در ادامه به تفصیل از آن خواهیم گفت در اواخر قرن هجدهم و سپس در قرن نوزدهم، آشفتگی را دو چندان کرد.^۴

۱. همان. صص ۵۱۱-۵۱۲.

2. George N. Agrios, (2004), *Plant pathology*, USA: Academic Press, pp. 19-21.

3. *Black Potatoes: The Story of the Great Irish Famine, 1845-1850*, pp. 41, 43, 45.

4. Moykor, Joel & C. O Grada, « Poor and getting poorer? Irish living standards before the Famine », *Economic History Review*, 1988, Volume 51, 209-35.

هنری گرتن^۱ از جمله اولین افرادی بود، که در نیمه‌ی دوم قرن هجدهم، شورش برضد برده‌کشی در ایرلند را رهبری کرد. او که فردی پروتستان بود با حمایت هم‌کیشانش پیروزی‌هایی به دست آورد: لغو قانون آزمون، که اطاعت و فرمانبرداری از کلیسای رسمی انگلستان - که شدیداً به پروتستان‌گرایی وابسته بود - را برای برگزیده شدن به عضویت مجلس الزامی ساخته بود و مهم‌تر از آن، این‌که فقط پادشاه انگلستان با رضایت و تصویب مجلس ایرلند حق دارد در این کشور قانون‌گذاری کند. این اقدامات تنها آغاز ماجرا بود. در ۱۷۹۱، «انجمن ایرلندی‌های متحد» پایه‌ریزی و تا آن‌جا موجب ترس دولت پروتستان شد، که در ۱۷۹۳، کاتولیک‌ها حق شرکت در انتخابات را به دست آوردند. پس از چندی رئیس انجمن، توسط بریتانیایی‌ها دستگیر شد و در ۱۷۹۸، کمی پیش از آن‌که اعدامش فرا رسد در زندان گلوی خود را برید. بیزاری و نفرت ایرلندی‌ها از سلطه‌ی انگلیسی‌ها کماکان رو به رشد بود. ویلیام پیت^۲، نخست‌وزیر بریتانیا، که بر امور ایرلند نیز نظارت داشت به فکر آشتی افتاد و امتیازاتی به کاتولیک‌های ایرلندی اعطا کرد، اما پس از چندی به لندن فراخوانده شد.^۳ وخامت اوضاع در ایرلند نیز روز به روز بالا می‌گرفت. در ابتدا، پروتستان‌های ایرلندی، که در نواحی شمال متمرکز بودند با کاتولیک‌ها برای مبارزه با سلطه‌جویی بریتانیا متحد شدند، اما کمی بعد، از بیم آن‌که کاتولیک‌ها بر آن‌ها تسلط یابند شورش کردند و «انجمن پسران طلوع فجر» را در ۱۷۹۵، بنیان نهادند. آن‌ها خانه و کاشانه‌ی هموطنان خود را به بهانه‌ی کاتولیک بودن به آتش می‌کشیدند. جورج سوم^۴ که در ۱۸۰۰، پادشاه انگلستان بود، با پیشنهاد ویلیام پیت مبنی بر اتحاد بریتانیا و ایرلند روبرو شد. هرچند او از این اتحاد ناخشنود بود، اما در اول اوت، این اتفاق رخ داد. بسیاری از ایرلندی‌ها نیز، این طرح را جز گلی زیبا بر روی یک مرداب نمی‌پنداشتند.^۵ اتحاد بریتانیا و ایرلند در ۱۸۰۰، کلید زنجیره‌ای از درگیری‌ها، آشوب‌ها و خشونت‌ها را زد که تا سال بروز قحطی عظیم ایرلند وضعیت این کشور را بیش از پیش مبهم کرد. در ۱۸۴۵، قحطی آغاز شد و در یک بستر اجتماعی نابسامان و زندگی فلاکت‌بار چندین میلیون کارگر و

1. Henry Greten.

2. William Pitt, Prime minister of the United Kingdom (1804-1806).

3. *Black Potatoes: The Story of Great Irish Famine, 1845-1850*, pp. 16, 36, 40.

4. George III of the United Kingdom (1760-1820), died in 1820.

5. *The history of civilization*, Vol. 11, pp. 511-520. (Based on Online Version).

کشاورز، زخم کهنه کینه‌های چندین قرن جنگ و خونریزی و سیاست‌بازی سر باز کرد. تنها ۲۰ سال پس از بروز قحطی، سه دانشمند و هر کدام به صورت جداگانه به نظریاتی رسیدند، که کلیدی برای آنتوان دباری^۱ شد تا بتواند عامل نابودی سیب‌زمینی‌ها را بیابد. این اکتشاف، علم جدیدی با نام بیماری‌شناسی گیاهی^۲ را به دنیا معرفی کرد، علمی که امروز نقش بسیار مهمی در تأمین امنیت غذایی دارد، دغدغه‌ای که بسیاری از کشورها را دچار آشوب‌های فراوانی کرده است.

۱- حقایق

۱-۱) وقوع قحطی (۱۸۴۵)

یکی از ویژگی‌های کشورهای ایرلند آب‌وهوای ناپایدار آن است. این ناپایداری در تابستان ۱۸۴۵، به اوج خود رسید. دما، رطوبت و از همه مهم‌تر، میزان بارش باران مرتب دست‌خوش دگرگونی می‌شد، اما درست چند هفته قبل از بروز قحطی، هوای اروپای شمالی و ایرلند به صورت مداوم ابری، خنک و مرطوب گشت، و در یکی از روزهای نخستین پاییز، قحطی آغاز گشت.^۳ بر اساس آنچه از دست‌نوشته‌ها به دست آمده است، مردم ایرلند برای اولین بار با چنین اوضاعی روبرو می‌شدند. در دست‌نوشته‌ای از یک کشاورز آمده است: «مردم قدیمی می‌گفتند تا به حال آسمان را اینقدر عجیب و اسرار آمیز ندیده‌اند. آن‌ها آنقدر وحشت کرده بودند، که به خانه‌هایشان گریختند».^۴ ایرلندی‌ها مردمی شدیداً مذهبی و خرافاتی بودند، با هر اتفاق عجیبی که رخ می‌داد عقاید خرافی و قرون‌وسطائی آن‌ها نمودار می‌شد. آن‌ها آب‌وهوای ناپایدار و بوی عجیبی که گاهی در مزارع سیب‌زمینی پخش می‌شد را به نیروهای ماورائی و شیطانی نسبت می‌دادند و از رویارویی با آن‌ها هراس داشتند.^۵ صبح روزی که سیب‌زمینی‌ها نابود شده بود، مردم با

1. Heinrich Anton deBary (1831-1888).

2. Plant pathology.

3. *Plant pathology*, p. 45.

4. *Black Potatoes: The Story of the Great Irish Famine, 1845-1850*, p.8.

۵. سیب‌زمینی که در سال ۱۵۷۰ میلادی از آمریکای جنوبی و مرکزی وارد اروپا شد، در حدود ۱۸۰۰ میلادی در ایرلند به صورت یک محصول کاملاً جا افتاده در آمده بود. روحیه‌ی متعصب ایرلندی‌های کاتولیک در کنار این حقیقت، که در انجیل نامی از سیب‌زمینی برده نشده بود باعث شد، در ابتدا این گیاه مورد استقبال قرار نگیرد، حتی برخی به دلیل آن‌که سیب‌زمینی‌ها در خاک رشد می‌کردند آن را نجس

وحشت حاصل از بوی تعفن ناشی از فساد سیب‌زمینی‌ها از خواب برخاستند. در طول تنها چند ساعت، نیمی از محصول سیب‌زمینی کل ایرلند نابود شده بود.^۱ در دست‌نوشته‌ای از صبح روز حادثه آمده است: «تمام برگ‌ها و ساقه‌ها آویزان شده بودند! آن‌ها مُرده بودند!»^۲ وقتی مردم سیب‌زمینی‌ها را از خاک بیرون کشیدند بیشتر وحشت کردند. تمامی سیب‌زمینی‌ها مثل برگ و ساقه به صورت لُج و فاسدشده در آمده بود،^۳ و در این زمان داستان قحطی آغاز شد؛^۴ اما مردم هنوز امیدوار بودند. آن‌ها سیب‌زمینی برداشت اول را در گودال‌های خاصی ذخیره کرده بودند،^۵ اما وقتی عمق فاجعه روشن شد، که کشاورزان سراغ گودال‌ها رفتند و تمامی سیب‌زمینی‌های ذخیره شده را نیز فاسد و متعفن یافتند. این اتفاق ظرف چند روز، برای بسیاری از مزارع سیب‌زمینی ایرلند که در غرب این کشور

می‌شمرند. پذیرش کشت سیب‌زمینی به عنوان یک محصول عمده در ایرلند ناشی از فقر مضاعف طبقه‌ی کارگر و کشاورز بود. علاوه بر آن، مقدار مواد غذایی در واحد سطح که از سیب‌زمینی حاصل می‌شد بیش از غلات آن زمان یعنی گندم و چاودار بود. وقتی قحطی تمامی سیب‌زمینی‌ها را نابود کرد نیز انواع و اقسام آئین‌ها و مناسک خرافی برای جلوگیری از نابودی سیب‌زمینی توسط شیاطین صورت می‌گرفت. در ادامه خواهیم دید که همین عقاید خرافی مردم را در رویارویی با این قحطی ناتوان ساخته بود.

۱. امروزه می‌دانیم عامل نابودی محصول سیب‌زمینی ایرلند، یک موجود زنده و در حقیقت یک شبه‌قارچ میکروسکوپی با نام علمی *Phytophthora infestans* بوده است که به سیب‌زمینی حمله برده است. آب‌وهوای مرطوب و خنک که به مدت چندین هفته پیش از قحطی در ایرلند حاکم بود بهترین شرایط محیطی را برای حمله‌ی این شبه‌قارچ فراهم آورد. نکته‌ای که هنوز مبهم مانده است، حضور این شبه‌قارچ در ایرلند است، چرا که محل زندگی این موجود، قاره‌ی آمریکا بوده است. در حدود ۲۰ سال پس از قحطی، این شبه‌قارچ به عنوان عامل نابودی سیب‌زمینی‌ها کشف شد. این کشف منجر به تأسیس شاخه‌ای از علم زیست‌شناسی با نام بیماری‌شناسی گیاهی گردید.

2. <http://www.loc.gov/search/?q=Irish+Famine>. (Accessed on 4/10/2013).

۳. همان. ص ۹.

4. Cormac Ó Gráda, (2009), *Famine: A Short History*. USA: Princeton University Press, p. 18.

۵. سیب‌زمینی در ایرلند دوبار برداشت می‌شد. بار اول، در اواسط تابستان و بار دوم، در اوایل پاییز. محصول برداشت اول در گودال‌هایی ذخیره می‌شد و محصول برداشت دوم به مصرف می‌رسید. حمله‌ی بیماری در زمانی آغاز شد که از برداشت اول گذشته و نوبت به برداشت دوم رسیده بود. مردم این‌گونه خود را دلداری می‌دادند که هرچند سیب‌زمینی‌های برداشت دوم نابود شده؛ اما می‌توانند از ذخیره‌ی خود استفاده کنند. نک:

Christopher Morash, (1995), *Writing the Irish famine*, Great Britain: Oxford University Press, pp. 79-83.

متمرکز بودند افتاد، آن هم تنها در مدت چند ساعت! ایرلندی‌ها با تک‌کشتی کردن کشورشان ریسک بزرگی کرده بودند، موضوعی که تنها پس از قحطی به آن پی‌بردند. کارگران و کشاورزان کاتولیک و فقیر مناطق غربی بیشتر از همه متضرر شدند.

۲-۱) کشاورزی ایرلندی

همان‌طور که اشاره شد در ابتدای ورود سیب‌زمینی به ایرلند، استقبال زیادی از آن صورت نگرفت، اما به مرور زمان و به چند دلیل مهم، این محصول در بسیاری از نقاط ایرلند گسترش پیدا کرد. اولین دلیل آن بود، که کشاورزان و کارگران که غالباً کاتولیک بودند تنها می‌توانستند زمین را اجاره کنند. آن‌ها می‌بایست در عین حال که غذای خود را از راه کشت‌وکار به دست می‌آوردند، اجاره‌بهای سنگین زمین را نیز پردازند. برای تأمین این دو، به محصولی با تولید بالا در واحد سطح، به شدت احساس نیاز می‌شد. علاوه بر آن، کشاورزان می‌بایست خوراک دام و طیور خود را هم فراهم می‌کردند. سیب‌زمینی تمامی این نیازها را برآورده می‌کرد. نکته‌ی قابل ذکر دیگر، آب‌وهوای ایرلند بود که برای کشت سیب‌زمینی بسیار مهیا بود. برآیند تمامی این عوامل سبب شد تا محصول سیب‌زمینی، بسیاری از مزارع ایرلند را درنوردد و مردم به شدت به آن وابسته شوند، برای پرداخت اجاره‌بها تأمین غذای خانوار و تأمین غذای حیواناتشان (جدول ۱-۱).^۲ میزان مصرف روزانه‌ی سیب‌زمینی برای یک مرد بالغ ایرلندی در سال‌های پیش از قحطی چیزی در حدود چهار الی پنج کیلوگرم در روز بود، این در حالی است، که میانگین مصرف برای فرانسه ۱۶۵، ۵۴۰ برای نروژ، ۶۴۰ در بلژیک و ۸۰۰ گرم (در روز) در هلند بود. ایرلندی‌ها مجبور بودند برای سیر کردن شکم خود در هر سه وعده‌ی غذایی سیب‌زمینی بخورند.

۱. شبه‌قارچی که سبب نابودی سیب‌زمینی شد با سرعت بسیار زیاد از طریق آب، خاک، وسایل حمل‌ونقل و حتی همراه با انسان‌ها، از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر گسترش یافت. امروزه، دانسته شده است که پراکنش زادمایه‌ها یا همان عوامل انتشار این شبه‌قارچ با سرعتی نزدیک به ۸۰ کیلومتر در ساعت، اتفاق می‌افتد. این موضوع سبب انتشار سریع بیماری در ایرلند بود، که در آن روزها آب‌وهوای مرطوب و مورد علاقه‌ی شبه‌قارچ را داشت.

2. Joseph R. O'Neil, (2009), *The Irish Potato Famine*, USA: Abdo Publishing Company, pp. 32-40.

واقعیت دیگر در مورد کشاورزی ایرلند، که از نظرها پنهان مانده است، محصولات کشاورزی این کشور در سال‌های قحطی است. برخلاف تصور عموم، کشاورزی در ایرلند به صورت کامل یکپارچه نبود. حداقل می‌توان پنج ناحیه‌ی مشخص را در ایرلند نام برد، که در زمان قحطی، علاوه بر سیب‌زمینی به تولید یک محصول خاص می‌پرداختند (شکل ۱-۱). نکته‌ی غیرقابل انکار در مورد این نواحی، تأثیر چشم‌گیر سیاست و مذهب در شکل‌گیری آن‌هاست. به عنوان یکی از بارزترین نمونه‌ها، می‌توان منطقه‌ی آلستر^۱ را نام برد. تمرکز پروتستان‌های ایرلند در این مکان بود، به همین دلیل، همواره مورد حمایت بازرگانان هم‌کیش بریتانیایی و هم‌پیمانانشان بود.^۲ علاوه بر این حمایت، این منطقه از معدود نقاط ایرلند بود که پذیرای انقلاب صنعتی شد. تمام این منطقه زیر کشت کتان بود، تنها محصولی، که می‌توانست با دیگر محصولات در مرزهای بریتانیا به رقابت بپردازد. علاوه بر آن، به واسطه‌ی توسعه‌ی روابط تجاری از راه آب، میان آلستر و بریتانیا، در هنگام بروز قحطی آذوقه به راحتی به این مناطق می‌رسید و به دلیل توسعه‌ی مناسب جاده‌ها، به سرعت در بین مردم پخش می‌شد. همه‌ی این اتفاقات نشأت گرفته از مذهب و گرایشات سیاسی مردم آن منطقه بود، مردمی پروتستان که همواره آرزوی اتحاد با بریتانیا را داشتند. بریتانیا به خوبی بر اهمیت این ناحیه واقف بود و همواره این منطقه را زیر نظر داشت. هر کدام از آن پنج ناحیه‌ی (شکل ۱-۱) مشخص با توجه به نیازشان، به تولید می‌پرداختند، اما تنها در غرب ایرلند، جایی که بیشترین تعداد آواره و بیشترین میزان مرگ‌ومیر ناشی از قحطی را به چشم دید، فقط و فقط سیب‌زمینی کشت می‌شد، جایی که هیچ محصولی غیر از آن نمی‌توانست پاسخ شکم‌های گرسنه‌ی کارگران کاتولیک را بدهد. علاوه بر آن، غرب ایرلند سرزمینی با آب‌وهوای خنک‌تر و مرطوب‌تر بود^۳ و از آن مهم‌تر خاک نامناسبی برای کشت‌وکار هر محصولی غیر از سیب‌زمینی داشت. همه‌چیز دست به دست هم داده بود تا تنها راه، برای گذران زندگی در این نواحی کشت سیب‌زمینی باشد.^۴ ایرلندی‌هایی که در غرب ایرلند زندگی می‌کردند، کم‌سوادترین و فقیرترین اعضای جامعه

1. Ulster

۲. این منطقه در سال‌های قحطی، کم‌ترین میزان مرگ‌ومیر را شاهد بود.

۳. شرایطی که برای شبه‌قارچ بیماری‌زا بسیار مناسب است.

4. F.H.A. Aallen et al., (1997), *The Atlas of the Irish Rural Landscape*, USA: University of Toronto Press, pp. 69, 90.

را تشکیل می‌دادند. پس از آن‌که مشخص شد شدیدترین اثرات بیماری سیب‌زمینی نیز در این منطقه بوده است، زوایای پنهان این قحطی شروع به نمایان شدن کرد. غرب ایرلند کاتولیک‌نشین، بیشترین میزان فقر و کم‌ترین میزان سواد را داشت! (جدول ۱-۲)

جدول ۱-۱: چگونگی تخصیص محصول سیب‌زمینی در دهه‌ی ۱۸۴۰ در ایرلند		
الف - مصرف انسانی در ایرلند		
شغل	جمعیت (میلیون نفر) مصرف سالانه (تن)	
کارگران مزارع	۳/۳	۳/۹
کارگران پنبه‌کار	۱/۴	۰/۸
خرده‌کشاورزان	۰/۵	۰/۳
عمده‌کشاورزان	۰/۲۵	۰/۱
کارگران صنعت نساجی	۰/۷۵	۰/۴
دیگر مشاغل	۱/۸	۰/۷
مجموع	۸/۲	۶/۲
ب - دیگر مصارف		
مصرف حیوانی	-	۴/۷
صادرات	-	۰/۲
مصرف بذری و ضایعات	-	۲/۵

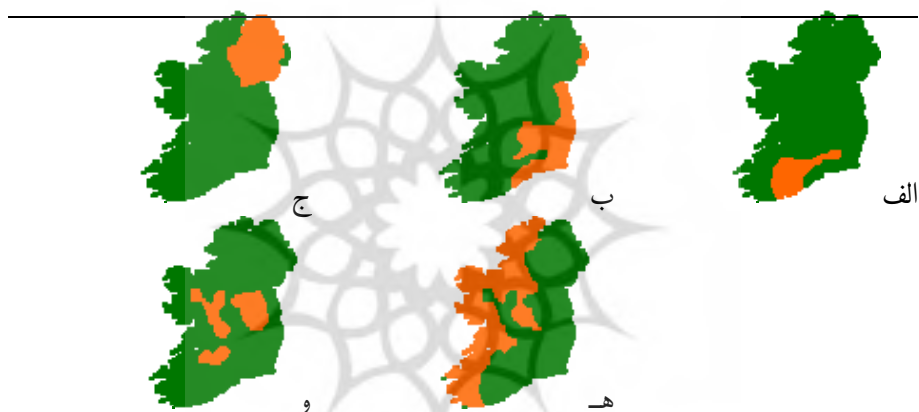
O Grada, Cormac, (2004), *Ireland's Great Famine: An Overview*, Ireland: University College Dublin.

جدول ۲-۲: میزان سواد و فقر مردم در نواحی مختلف ایرلند در سال ۱۸۴۱			
موقعیت منطقه و نام شهرستان	درصد میزان سواد	درصد مردم در فقیرترین طبقه‌ی جامعه	گرایش مذهبی
دوبلین (Dublin)	۵۴٪	۹٪	
ویکلو (Wicklo)	۳۷٪	۲۸٪	بیش از ۷۰٪
وکسفورد (Wexford)	۳۴٪	۲۴٪	پروتستان
داون (Down)	۴۰٪	۲۱٪	
آن‌تریم (Antrim)	۴۱٪	۲۳٪	
میانگین	۴۱/۲٪	۲۱٪	

	۶۰٪	۱۳٪	مایو (Mayo)
بیش از ۸۰٪ کاتولیک	۴۹٪	۱۵٪	گالوی (Galway)
	۴۳٪	۱۹٪	دونی گال (Donegal)
	۴۳٪	۲۰٪	رزکمون (Roscommon)
	۴۶٪	۱۹٪	اسلیگو (Sligo)
	۴۸/۲٪	۱۷/۲٪	میانگین

مأخذ:

Robert Dudley Edwards & Thomas Desmond Williams, (1997), The Great Famine: Studies in Irish History 1845-52, USA: Lilliput Press.



شکل ۱-۱: نحوه اختصاص مناطق مختلف ایرلند به تولیدات کشاورزی متفاوت. الف، منطقه اختصاص یافته به تولید لبنیات (ناحیه کم‌رنگ). ب، منطقه اختصاص یافته به تولید غلات و محصولات لوکس (ناحیه کم‌رنگ). ج، تولید و صادرات کتان (ناحیه کم‌رنگ). ه، تولید سیب‌زمینی، ناحیه‌ای که بیشترین مرگ‌ومیر را به خود دید و تمرکز کاتولیک‌ها نیز در همین ناحیه بود. (ناحیه کم‌رنگ). د، پرورش احشام (ناحیه کم‌رنگ).

مأخذ: <http://www.wesleyjohnston.com/users/ireland/past/famine/economics.html>

۳-۱) ناتوانی در عمل

قحطی بزرگ ایرلند در ۱۸۴۶ اتفاق افتاد. این کشور از این تاریخ تا نزدیک به پنج سال پس از آن، به قهقرا رفت. در این بین، بی‌سوادی و نادانی مردم نقش مهمی در ناتوانی آن‌ها داشت. به‌رغم پیشرفت چشم‌گیر علم در بسیاری از حوزه‌ها، ایرلندی‌های متعصب و شدیداً

مذهبی در قبال نابودی سیب‌زمینی دست به دامن خرافات و افسانه‌ها شدند. عده‌ای از مردم، نابودی را مربوط به رنگ عجیب آسمان در شب قبل از شروع قحطی می‌دانستند. آن‌ها عقیده داشتند جنیان که در آسمان‌ها بر سر سیب‌زمینی‌ها با یکدیگر جنگیده‌اند؛ مسبب نابودی هستند.^۱ کشاورزان برای حفاظت سیب‌زمینی‌های باقیمانده، دور مزارع حرکت می‌کردند و آب مقدس می‌پاشیدند.^۲ آن‌ها در انبارها صلیب و گیاه سیر کار می‌گذاشتند به این امید که جن‌ها را بترسانند.^۳ برخی دیگر، اسراف مردم در سال‌های فراوانی و به دنبال آن خشم خداوند را دلیل نابودی می‌دانستند؛ حتی برخی اعتقاد داشتند حضور بریتانیایی‌ها سرزمینشان را طلسم کرده است. تصور این‌که یک موجود زنده بتواند سیب‌زمینی را نابود کند برای مردم بسیار سخت بود. از سویی دیگر حتی با وجود پیشرفت‌های علمی فراوان، هنوز برخی از تعصبات شبه‌علمی که در اعتقادات قرون وسطایی ریشه داشت نیز به طور کامل از ذهن جامعه‌ی علمی پاک نشده بود. گرچه لیوون هوک^۴ در ۱۶۴۷ برای اولین بار به کمک میکروسکوپی که خود اختراع کرده بود، میکروب‌ها را مشاهده کرد ولی تا ۲۰۰ سال بعد، در مفهوم میکروب‌ها به عنوان عامل بروز بیماری، پیشرفت درخور توجهی حاصل نشد. روند این مفهوم در میکروب‌های بیماری‌زای گیاهی، بسیار کندتر از دیگر حوزه‌ها بود. سابقه‌ی آزمایشات این چنینی را می‌توان تا ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح دنبال کرد. هومر در ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد، دموکریت در قرن پنجم پیش از میلاد و تئوفراستوس در ۳۰۰ سال پیش از میلاد توصیه‌هایی واقع‌بینانه برای کشتن عوامل بیماری‌زای گیاهی صورت دادند، اما آن‌ها حتی نمی‌دانستند میکروب چیست!^۵ هرچند در طول چند هزار سال مرگ و میرهای وحشتناکی در اثر

۱. آن‌ها جنی به نام مرد خاکستری را مسئول فاسد شدن سیب‌زمینی‌ها می‌پنداشتند. کشاورزان عقیده داشتند او به سیب‌زمینی‌ها دست زده و همین تماس آن‌ها را آلوده کرده است.

۲. در دست‌نوشته‌ای از زمان قحطی آمده است: «پدرم به من هشدار داده بود اما من به او اعتنایی نکردم. سیب‌زمینی‌ها را در خانه جمع کردم و زحمت قرار دادن صلیب اطراف آن‌ها را به خودم ندادم. صبح روز بعد به سیب‌زمینی‌ها نگرستم و همه‌ی آن‌ها فاسد بودند. مرد خاکستری آن‌ها را لمس کرده بود...»؛ نک:

Cathal Poirteir, (1995), *Famine echoes*, Dublin: Gill & Macmillan.

3. *Plant pathology*, p. 45.

4. Leeuwenhoek (1632-1723).

5. *Plant pathology*, p. 38.

عوامل بیماری‌زای گیاهی و قدرت مخرب آن‌ها روی گیاهان رخ داد، اما به حادثه‌ای مرگ‌بارتر نیاز بود تا دانشمندان با واقع‌بینی به دنبال سبب بگردند. یکی از حوادثی که چندین بار و به فاصله‌ی زمانی چند قرن رخ داد و هیچ‌کس به دنبال دلیل آن نگشت، بیماری موسوم به ارگوتیسم^۱ بود. این بیماری به سبب مصرف غلات آلوده به یک قارچ بیماری‌زای گیاهی ایجاد می‌شد و با علائم وحشتناک از دست دادن انگشتان و دست و پا، توهم و جنون دائمی، قرمز و تاوولی شدن شدید پوست و گرفتگی مرگبار ماهیچه‌ها همراه است. این بیماری همواره به خشم خدایان و نیروهای شیطانی و عملیات جادوگری ارتباط داده می‌شد.^۲ همه‌گیری‌های کاملاً مستندی از این بیماری موجود است، از جمله: ابتلای شدید نیروهای ژولیوس سزار^۳ در فرانسه، مرگ بیش از ۵۰ هزار نفر در سال‌های ۸۵۷ و ۹۹۴ م. در فرانسه، محاکمات جادوگری در ایالت ماساچوست^۴ در اثر آرد آلوده تهیه شده از گیاهان آلوده و مرگ ناگهانی ۲۰ هزار نفر از سربازان ارتش پتر کبیر^۵ در ۱۷۲۲. با این اتفاقات، نگاه جامعه‌ی علمی به سوی مسبب کشتارهای وسیع این چنینی جلب شد، اما روند پیشرفت، بسیار فرسایشی بود. تنها به فاصله‌ی بیست سال پس از بروز قطعی سیب‌زمینی در ایرلند، بر روی چندین نظریه‌ی خرافی و بی‌اساس، خط بطلان قطعی کشیده شد. به فاصله‌ی کمتر از سه دهه، سه دانشمند در سه حوزه‌ی متفاوت علوم زیستی به همگرایی رسیدند و علمی جدید به نام بیماری‌شناسی گیاهی^۶ را بنا کردند، به بهای مرگ بیش از یک میلیون انسان.^۷

۱. قارچی که مسبب این بیماری است آکالوئیدهای بسیار سمی تولید می‌کند، که با مصرف گیاهان آلوده به آکالوئیدها توسط انسان علائم بیماری بروز می‌کند.

2. John Grant Fuller, (1968), *The day of St. Anthony's fire*, London: Hutchinson, pp. 220-222.

3. Julius Caesar (100 B.C.- Assassinated in 44 B.C.).

4. Massachusetts, US state.

5. Peter the Great (Pyotr Alexeyevich), Emperor and Autocrat of All the Russias (1682-1725), died in 1725.

6. Nicholas Spanos & Jack Gottlieb, «Ergotism and the Salem Village Witch Trials», *Science*, Volume 194, Issue 4272, p. 1392.

7. Plant Pathology.

۸. علی آهون‌منش، (۱۳۸۶)، *اصول مبارزه با بیماری‌های گیاهی*، اصفهان: مرکز نشر دانشگاه صنعتی اصفهان، ص ۵۱.

۴-۱) ایرلند! آمیزه‌ای مرگ‌بار از جنون مذهبی، دغل‌کاری و سیاست‌بازی سابقه‌ی کینه‌توزی‌ها و جنگ‌های بین ایرلند و بریتانیا پس از بروز قحطی، نمود بیشتری پیدا کرد. سابقه‌ی این درگیری‌ها به قرن ۱۲م. بازمی‌گردد. چهار قرن بعد در ۱۵۳۵م، هنری هشتم^۱ از کلیسای کاتولیک تبری جست و خود را رهبر کلیسای انگلیس نامید. هنری هشتم و فرمان‌روایان پروتستان، برای حفظ کنترل بر روی ایرلندی‌ها که غالباً کاتولیک بودند؛ جنگ ضد ایرلند را آغاز کردند؛ جنگی که در ابتدا بین انگلیس و ایرلند آغاز شده بود به جنگی بین ایرلندی‌های کاتولیک و پروتستان‌های بریتانیایی تبدیل شد. درگیری هنری هشتم با کلیسای کاتولیک رُم، منجر به جدایی کلیسای انگلیس از آن شد. پس از آن، او حکومت ایرلند را منحل و تمام دارایی‌شان را ضبط کرد.^۲ انگلیسی‌ها، ایرلندی‌ها را وحشی و سرکش قلمداد می‌کردند. جنگ ۱۶۹۰ در زمان پادشاه ویلیام،^۳ سبب قتل عام ایرلندی‌های کاتولیک شد. ویلیام در نظر داشت تا کاتولیک‌ها را تحت نفوذ خود داشته باشد، بدین منظور، سلسله قوانینی را با نام قوانین کیفری وضع کرد. به موجب این قوانین، کاتولیک‌ها از رأی دادن، تشکیل دفتر سیاسی، آموزش کودکان و خرید زمین محروم شدند. او در چندین جنگ ضد لوئی چهاردهم،^۴ پادشاه قدرتمند کاتولیک نقش داشت، به گونه‌ای که در بین پروتستان‌ها به عنوان قهرمان ستایش می‌شد. در ابتدای قرن نوزدهم، رابرت پیل، نخست‌وزیر بریتانیا موجب اتحاد ایرلند و امپراطوری بریتانیا شد؛ به این امید که روابط کمی بهبود یابد، اما این اتحاد در ۱۸۳۰ فسخ شده و خصومت دوباره از سر گرفته شد.^۵

موضع بریتانیا یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روند قحطی بود. به دلیل آن‌که انگلیسی‌ها، مردم ایرلند را خرافاتی می‌پنداشتند، گفته‌های آنان را باور نمی‌کردند. مقامات دولتی بریتانیا گزارش‌های رسیده از ایرلند را اغراق‌شده و دروغ می‌پنداشتند به همین دلیل تا مدت‌ها حاضر به ارسال کمک و امدادسانی به ایرلند نبودند.^۶ این موضوع در طول سال‌های پس از قحطی، همواره حاکم بود و به تنفر بیش از حد ایرلندی‌ها از انگلیسی‌ها

1. Henry VIII, King of England (1509-1547), died in 1547.

2. David Loades, (2007), *HENRY VIII; Curt, church and Conflict*, Great Britain: The National Archives, pp. 160-162, 170.

3. William III of England (1650-1702), died in 1702.

4. Louis XIV of France (1643-1715), died in 1715.

5. Plantagenet Somerset Fry & Fiona Somerset Fry, (1988), *A history of Ireland*, Britain: Routledge, Chapman & Hall, Incorporated, p. 170.

6. *Black Potatoes, The Story of the Great Irish Famine, 1845-1850*, p. 35, 36, 40.

دامن زد. علاوه بر این موضع‌گیری‌های تند، برخی از صاحب‌نظران حتی وقوع این قحطی را رحمتی برای ایرلندی‌ها می‌دانستند. آن‌ها همواره خانواده‌های پرجمعیت و شلوغ ایرلندی‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دادند، اما ایرلندی‌های کاتولیک اعتقادی به کنترل جمعیت نداشتند.^۱ برخی از بزرگان انگلیسی، این قحطی را به عنوان وسیله‌ای برای برطرف کردن یک عدم تعادل عنوان می‌کردند. سخنان این افراد عاری از هر گونه احساس همدردی با مردم کشور همسایه‌شان بود. اقدامات و اصلاحات سیاسی که در زمان قحطی زیر نظر بریتانیا صورت گرفت، بیش از پیش، موضع‌گیری خصمانه‌ی حکومت و امپراطوری را نشان می‌داد. حتی در این بین، پای ملکه به میان کشیده شد، اما او نیز ترجیح داد، سکوت کند و شاهد قحطی باشد. او ملکه‌ی یک امپراطوری پروتستان بود. پروتستان‌های متعصب که بر مسند حکومت بودند، همواره به دنبال فرصتی بودند تا ضربه‌ی نهایی را به کاتولیک‌های سرسخت ایرلند وارد سازند، و این قحطی بهترین فرصت برای آنان بود.

۱-۵) سر رابرت پیل^۲ و ماجرای قانون غله^۳ و لیبرالیسم اقتصادی در بریتانیا
ایرلند در ۱۸۱۶، نیز دچار قحطی شده بود؛ اما اثرات آن ناچیز و پراکنده بود. در آن زمان، رابرت پیل شاهد دست اول اوضاع بود. وقتی در ۱۸۴۵، قحطی با آن وسعت گسترده رخ داد او بیش از هر شخص دیگری به تبعات آن آگاه بود. او می‌دانست گرسنگی طولانی سلامتی مردم را به شدت تهدید می‌کند. علاوه بر آن، پیل می‌دانست وقتی آستانه‌ی تحمل مردم سرریز کند، شاهد تبه‌کاری و جرم و جنایت بالایی خواهد بود. با توجه به شرایط آب‌وهوایی ایرلند، شیوع بیماری‌های مهلک و کشنده‌ای مثل حصه، وبا، اسهال خونی نیز از دیگر تبعات قحطی این چینی بود،^۴ اما او نیز یک انگلیسی محافظه‌کار و محتاط بود. او در ابتدا کمیته‌ای علمی بنا نهاد و اعضای آن را به ایرلند فرستاد تا آنچه در حال رخ دادن است را گزارش دهند. اما آنان نیز نتوانستند در مورد بیماری سیب‌زمینی نتیجه‌ی درستی بگیرند.^۵ نتیجه‌ی بررسی این کمیته، نوشتن دستورالعمل‌های بی‌حاصلی بود که به گفته‌ی خودشان باعث می‌شد تا سیب‌زمینی‌ها آلوده نشوند. هرچند پیل در یافتن سبب بیماری

۱. اصول مبارزه با بیماری‌های گیاهی، ص ۵۱.

2. Sir Robert Peel, Leader of the House of Commons (1841-1846), died in 1850.

3. Corn laws.

4. *Black Potatoes, The Story of the Great Irish Famine*, p. 36.

5. Robert Blake, (1967), *Disraeli*, USA: St. Martin's Press, p. 221-222.

موفق نبود، اما از عمق فاجعه آگاه شد. کمیته‌ی علمی شرایط اسف‌بار مردم و نابودی سیب‌زمینی بسیاری از نواحی غربی ایرلند را گزارش داد، اما با این حال، پیل باز هم احتیاط می‌کرد. بسیاری او را به خاطر این رفتار در قبال ایرلند به باد انتقاد می‌گیرند، اما هنگامی که او تصمیم به کمک گرفت، قوانین ضد ایرلندی مجلس بریتانیا او را ناکام کرد.^۱ مهم‌ترین تصمیم او در دوران کاری‌اش، او را به زیر کشاند. او تصمیم گرفت تا قانون غله را فسخ کند. این قانون توسط دولت بریتانیا، برای حمایت از تولید غلات شامل: جو دوسر، گندم، جو معمولی و چاودار به تصویب رسیده بود. مالیات سنگینی برای محصولات غله‌ای که در خارج از مرزهای امپراطوری بریتانیا تولید و وارد ایرلند می‌شدند بسته می‌شد تا از تولید داخل حمایت شود. پس از بروز قحطی و ناتوانی مردم در تهیه‌ی غذا، رابرت پیل به فکر فسخ این قانون افتاد تا به موجب آن غذای فراوان‌تر و ارزان‌تری در اختیار مردم قرار گیرد. اما او با یک مشکل روبرو بود؛^۲ این کار او در تضاد مستقیم با فلسفه‌ی اقتصادی امپراطوری بریتانیا در آن روزها قرار داشت. فلسفه‌ای که آن روزها تحت عبارت: «بگذار مردم هر کاری می‌خوان بکنن» لقب گرفته بود.^۳ نوعی از اقتصاد لیبرال امروزی، از نوع افراطی آن، که از دادوستد کاملاً آزاد حمایت می‌کرد. این حمایت بیش از همه به سود زمین‌داران و تاجران ثروتمند پروتستان بود که همواره قدرت اقتصادی خود را به کاتولیک‌ها تحمیل کنند.^۴ پیل حتی بر خلاف آنچه گاه‌ها در مورد محافظه‌کاری او گفته می‌شود، از ملکه ویکتوریا درخواست کرد تا قانون غله، فسخ شود و واردات غلات توسط دولت کنترل گردد. هرچند ویکتوریا در آن زمان، ملکه‌ای بسیار محبوب بود، در مقابل مخالفت مجلس بریتانیا سکوت اختیار کرد. پس از آن‌که پیل از ملکه ناامید شد، قانون را دور زد. او می‌دانست ذرت هندی جزء قانون غله محسوب نمی‌شود. در عین حال، این محصول را می‌شد از آمریکا به راحتی وارد کرد. جای تعجب اینجاست که حتی پس از

1. Christine Kinealy, (1994), *This Great Calamity: The Irish Famine, 1845-1852*, USA: Gill & Macmillan, p. 38.

2. Michael Lusztiq, (1994), «Solving Peel's puzzle: Repeal of the Corn Laws and institutional preservation», *Comparative Politics*, Vol. 27(1), p. 396.

۳. این عبارت در زبان فرانسه به این صورت است: Le-SAY fare. بر اساس روایت‌های تاریخی خاستگاه این اندیشه، به وزیر اقتصاد فرانسوی با نام جی. بی. کولبرت (Jean-Baptist Colbert) و گروهی از

اقتصاددانان به رهبری ام. لی جندر (M. Le Gendre) در اواخر قرن هفدهم باز می‌گردد.

4. Paul Adelman, (1989), *Peel and Conservative Party: 1830-1850*, USA: Longman, pp. 59, 69-71.

واردات ذرت به ایرلند، بدبینی‌ها پایان نیافت. ایرلندی‌ها فکر می‌کردند انگلیسی‌ها قصد دارند با این محصول جدید آن‌ها را بکشند. این حرکت، یعنی واردات ذرت، شروع فعالیت‌های پیل در جهت کنترل قحطی بود.

اولین حرکت او در بدبین کردن ایرلندی‌ها آن بود، که محموله‌ی ذرت کشتی‌های باری که از آمریکا به سواحل ایرلند می‌رسیدند را بلافاصله بین مردم پخش نمی‌کرد؛ بلکه آن را انبار می‌کرد. این در حالی بود، که مردم به شدت به غذا نیاز داشتند. مقامات قانونی محموله‌ی ذرت هندی را در دو انبار اصلی در شهرستان‌های کُرک^۱ و لیمریک^۲ ذخیره می‌کردند. ذرت در بهار، هنگامی که بحران غذایی به اوج خود می‌رسید، فروخته می‌شد. پیل یک کمیسیون امداد، ایجاد و امدادگرانی را منسوب کرد. این امدادگران کمیته‌ی امدادی محلی را در هر ناحیه مستقر و انبارهای غذا را راه اندازی کردند. امدادگران غذا را به کمیته‌های امداد محلی می‌فروختند. زمانی که انبارها باز می‌شدند، کمیته، غذا را به مردم می‌فروخت.^۳ در گیرودار توزیع ذرت چندین و چند بار در نواحی مختلف، درگیری و آشوب به پا شد. مردم به انبارها هجوم می‌بردند و با زور در پی به‌دست آوردن چیزی بودند. به همین دلیل بود، که همواره نیروهای نظامی انگلیسی بر توزیع ذرت نظارت می‌کردند. پیل با این کار، یعنی دور زدن قوانین غله، جایگاه خود را در بین حزب محافظه‌کار مجلس بریتانیا از دست داد، به گونه‌ای که در حین سخنرانی‌اش او را هو می‌کردند.^۴ علاوه بر این، او نتوانست کار زیادی برای ایرلندی‌ها انجام دهد؛ بسیاری از کارگران هنوز بدون غذا بودند. آن‌ها در جریان قحطی، تمامی داروندار خود را برای بدست آوردن غذا حراج کرده بودند و هیچ پولی برای خرید ذرت پیل نداشتند. اما اوضاع برای مردمی که ذرت می‌خریدند، نیز همچنان آشفته بود. در ایرلند، ذرت غذای جدیدی بود. هیچ‌کس نمی‌دانست چگونه باید آن را پخت. دانه‌های ذرت بسیار سفت بودند و حتی پس از دو بار آسیاب هم آرد مناسبی از آن بدست نمی‌آمد. به دلیل این ناآگاهی‌ها، انواع بیماری‌های گوارشی از جمله دل‌دردهای شدید شیوع یافت. مردم ایرلند باز هم به یاد کینه‌ی قدیمی‌شان با انگلیسی‌ها افتادند. آن‌ها گمان می‌کردند انگلیسی‌ها ذرت را از عمد

1. Cork

2. Limerick

3. *Black Potatoes, The Story of the Great Irish Famine*, p. 43, 44.

۴. نک:

F. S.L. Lyons, (1985), *Ireland since the famine*, USA: Fontana.

برای کشتن آن‌ها فرستاده‌اند.^۱ این موضوع با حیرت مقامات انگلیسی همراه بود. آن‌ها از این‌که می‌دیدند ایرلندی‌ها با وجود ذرت، قدرشناس نیستند بسیار متعجب بودند. ایرلندی‌ها به دلیل رنگ زرد ذرت، سفتی و زمختی آن، حتی پس از تبدیل شدن به آرد و اثرات مخرب روی سامانه‌ی گوارشی، به آن پودر گوگرد پیل^۲ نام داده بودند.^۳ آن‌ها مطمئن بودند ذرت از سوی انگلیسی‌ها برای کشتنشان فرستاده شد. در دست‌نوشته‌ای آمده: «این غذا/ حیات را از درون ما می‌کشد و می‌بلعد».^۴ در نوشته‌ای دیگر آمده است: «مردم مرگ را به خوردن این غذا ترجیح می‌دادند. ما اصلاً نمی‌دانستیم چگونه باید آن را بپزیم».^۵ آن‌ها نمی‌توانستند بپذیرند انگلیسی‌ها در فکر کمک هستند. پیل بار دیگر تلاش کرد و متوجه شده بود حتی اگر به اندازه‌ی کافی غذا هم فراهم شود تا کارگران پولی نداشته باشند، فایده‌ای نخواهد داشت. او تصمیم دیگری اتخاذ کرد.

۱-۶) اردوگاه‌های کار؛ پول برای غذا

پیشنهاد جدید پیل، برپا کردن اردوگاه‌های کار بود. او نیم‌نگاهی به پیشرفت ایرلند نیز داشت. پیشنهاد او برپا کردن اردوگاه کار بود تا از طریق آن بتواند به ساختن جاده، پل و محل‌های ماهیگیری بپردازد. کارگران و کشاورزان گرسنه می‌توانستند در ازای کار، دست‌مزد دریافت کرده و غذا تهیه کنند.^۶ در بهار ۱۸۴۶، هنگامی که نزدیک به یک سال از قحطی گذشته بود؛ مجلس بریتانیا با طرح پیل موافقت کرد. بر اساس این طرح، دولت بریتانیا موظف بود نیمی از هزینه‌های سرمایه‌گذاری را به شکل وام در اختیار پیل بگذارد. نیمی دیگر از هزینه‌ها، نیز از طریق سرمایه‌گذاری صاحبان املاک فراهم می‌شد، اما به‌زودی این طرح نیز با مشکلات فراوانی روبرو شد. اولین مشکل؛ مشارکت صاحبان املاک بود. آن‌ها حاضر به مشارکت در این طرح‌ها نبودند. در عوض آن‌ها خود دست به کار شدند و با دادن دست‌مزد به مستأجرانشان املاک خود را توسعه می‌دادند. علاوه بر آن، مدیریت کردن درخواست‌های بی‌شماری که هر روز به هیئت اجرایی می‌رسید بسیار

1. Disreali, p. 224.

2. Peel's Brimstone.

3. Feargal Brougham, (2008), *The Great Famine*, USA: M. Evans and Company, p. 12.

4. *Black Potatoes: The Story of the Great Famine, 1845-1850*, p. 46.

۵. همان. ص ۴۶.

6 Workhouses.

7. Joseph Bogerson, (1837), *The Farmer Magazine Volume The Sixth*, Unknown place: Unknown publisher, p. 220.

مشکل بود. در هر گوشه و کناری، کارگران نیازمند به کار، دست به شورش می‌زدند. علاوه بر این، پرداخت دست‌مزد کارگران در اردوگاه‌های کار، باعث کمبود سکه در کشور شد؛ در نتیجه، دست‌مزد کارگران دیر پرداخت می‌شد و به خشونت‌ها دامن می‌زد.

اوضاع ایرلندی‌های گرسنه در اردوگاه‌های کار نیز مشقت‌بار بود. مردان از شیش صبح تا شیش عصر کار می‌کردند. هر گونه کم‌کاری یا تعلل، مریضی یا ناتوانی باعث می‌شد تا کارگران از اردوگاه اخراج شوند. صدها کارگر نیز منتظر بودند تا جایگزین شوند. گاهی پس از اخراج یک کارگر، فرزندان و همسر او به جایش کار می‌کردند. اردوگاه کارگران همواره بین یک زندان و یک بازداشتگاه نظامی تأسیس می‌شد، تا هشدار برای کارگران باشد. دیوارهای اردوگاه‌ها بسیار بلند بود و هیچ‌کس بدون اجازه حق نداشت از اردوگاه خارج شود. وقتی گروهی به اردوگاه وارد می‌شدند، در اولین اقدام، از اعضای خانواده جدا می‌شدند و به بخش‌های متفاوتی فرستاده می‌شدند. آن‌ها می‌بایست لباس‌های متحدالشکل بپوشند، حق سیگار کشیدن یا نوشیدن الکل را نداشتند، تنها می‌توانستند در یک زمان مشخص با یکدیگر صحبت کنند یا غذا بخورند و در صورت دیرکرد در پرداخت دست‌مزد حق اعتراض نداشتند. در دست‌نوشته‌ای آمده است: «اردوگاه کار... وحشتناک بود! مردم از رفتن به آن‌جا متنفر بودند... غذا ناچیز و خساست‌آمیز بود... ناظران عاری از حس انسانیت بودند»^۱ یک کارگر نیز دیده‌هایش را از سرکارگر این‌گونه توصیف می‌کند: «او در حالی که با شلاقش صدا ایجاد می‌کرد در هر سو گشت می‌زد. اگر مردی سستی و ضعف نشان می‌داد فوراً اخراج می‌شد. صدها مرد منتظر بودند تا یک کارگر اخراج شود».^۲

۲- پی‌آمدها

۱-۲) مرگ‌های بین جاده‌ای، شیوع حصبه و اسهال خونی، تغییر نوع جراثیم، بروز رفتارهای ضداجتماعی و... در طول پنج سال، که قحطی ایرلند را درنوردید بیش از یک میلیون ایرلندی کشته شدند. بسیاری از این افراد، مادران و فرزندان بودند که در جستجوی غذا راهی جاده‌ها می‌شدند و در راه جان می‌باختند. کورتین^۳ در سال ۲۰۰۰ از زنی هفده ساله گزارش می‌دهد که

1. *Black Potatoes: The Story of the Great Famine, 1845-1850*, p. 47.

2. *Ibid.*, p. 48.

3. Curtin.

فرزندش را در کنار جاده از دست داده بود، و آنقدر بر سر جنازه‌ی فرزندش نشست تا سرانجام خودش نیز مُرد.^۱ فاجعه به گونه‌ای رقم خورده است که حتی برخی از روزنامه‌ها، گزارشاتی در مورد مُرده‌خواری منتشر کردند.^۲ وضعیت اردوگاه‌های کار نیز به قدری فجیع بود که یکی از مسئولین ناظر بر توزیع غذا، یکی از اعضا را به خاطر مدیریت نامطلوب اخراج می‌کند و به او می‌گوید: «غذای کارگران را اگر به سگ هم بدهید بعد از یک هفته مرگ آن سگ قطعی است!»^۳ علاوه بر آن در طول سال‌های قحطی، میزان بزه‌کاری سه برابر شد. طبیعت جراثیم نیز تغییر کرد. میزان دزدی از گله‌ها ۱۱ برابر شد. قاچاق پنچ برابر شد. میزان تجاوز جنسی به میزان بیش از ۶۰ درصد کاهش پیدا کرد. افراد بسیاری از قصد، جراثیم سبکی مرتکب می‌شدند تا به زندان بروند تا با سه وعده‌ی غذای زندان شکم خود را سیر کنند.^۴

سوءتغذیه تنها بخشی ناچیز از مصیبت بود. ایرلندی‌ها به پایین آوردن سرعت متابولیسم بدنشان به کمبود غذا پاسخ دادند، اما پس از چندی بیماری‌های مغذی و روانی به سراغشان آمد. گزارشات زیادی در مورد رفتارهای بچه‌گانه‌ی بزرگسالان و خیره‌شدن‌های طولانی مدت ارائه شده است. سوءتغذیه مقاومت بدن ایرلندی‌ها را به عوامل بیمارگر انسانی، مثل باکتری‌ها و ویروس‌ها کاهش داده بود و همین عامل سبب شد که تعداد مرگ‌های ناشی از بیماری ۱۰ برابر بیشتر از مرگ‌های ناشی از گرسنگی باشد. علاوه بر آن، آب‌وهوای شرجی ایرلند در آن سال‌ها، و زندگی مردم در کثیف‌ترین مکان‌ها و جابجایی مردم گرسنه و البته آلوده سبب گشت تا بیماری‌های عفونی مثل حصه و اسهال خونی به شدت شیوع یابد. بیماری تیفوس در آن سال‌ها، بسیار شایع گشت. این بیماری توسط شپش‌ها منتقل می‌شد، شپش‌هایی که به فراوانی در کاه و کلش تمامی خانه‌ها یافت می‌شد و به سرعت عامل بیماری را از یک فرد به فرد دیگر منتقل می‌کرد. سال ۱۸۴۷ به

1. Gerard Curtin, (2000), *A Pauper Warren: West Limerick 1845-1849*, Ireland: Sliabh Luachra Books, p. 120-131.

2. *The Times*, May 23rd, 1849.

۳. نک:

Ciaran Murchadha, (1998), *Sable wings over the land: Ennis, County Clare, and its wider community during the great Famine*, Ireland: Clasp Press.

4. Cormac Grada, (2004), *Ireland's Great Famine: An Overview*, Ireland: University College Dublin, p. 5.

خاطر بیماری تیفوسی که در این سال وحشت‌زبادی ایجاد کرد،^۱ در تاریخ ایرلند به تب سیاه معروف شد. این بیماری یکی از عواملی بود که سبب مهاجرت عظیمی شد.

۲-۲) مهاجرت عظیم

شرایط ناگوار زندگی باعث شد تا بسیاری از مردم، به فکر مهاجرت بیفتند. مهاجرت از ایرلند به آمریکا و سایر کشورهای اروپا، اتفاق جدیدی نبود. پیش از قحطی نیز این اتفاق می‌افتاد، اما پس از نابودی محصول سیب‌زمینی، ایرلند در حال تبدیل شدن به کشوری متروک بود. نزدیک به دو میلیون نفر از ایرلند، مهاجرت کردند. آمریکا مقصد بسیاری از مهاجران بود. آن‌ها پس‌زمینه‌ی مناسبی از آمریکا داشتند. بیشترین میزان ذرت هندی در سال‌های اول بروز بیماری از آمریکا به ایرلند وارد می‌شد و جان‌های بسیاری را نجات داد. ایرلندی‌ها تصور خوبی از آمریکا و مردمش داشتند. استرالیا و کانادا هم بعد از آمریکا پذیرای بسیاری از مهاجران شدند. (شکل ۱-۲).

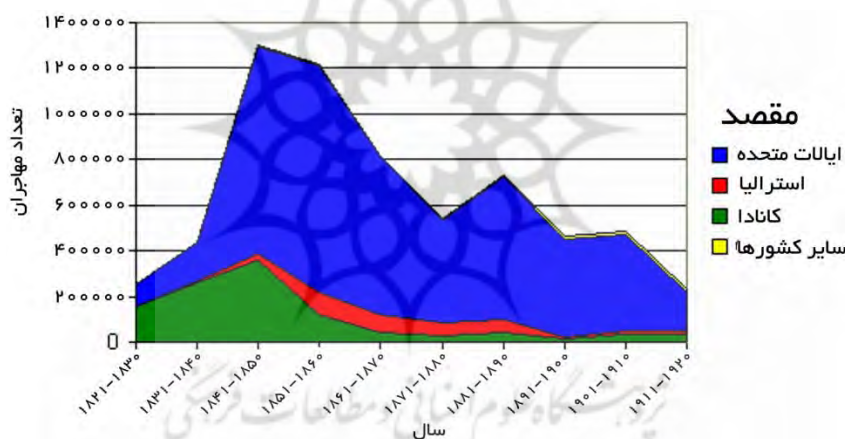
به زودی مهاجرت نیز دست‌خوش اتفاقات ناخوشایند شد. دولتمردان آمریکا در ابتدای قحطی با کمک به واردات ذرت کمک زیادی به ایرلند کردند. اما کمی بعد روشن شد که آن‌ها نیز نقشه‌هایی در سر دارند. ایرلندی‌هایی که به آمریکا می‌رسیدند نیازمند کار بودند. شمار زیاد مهاجران می‌توانست نیروی کار ارزانی را برای آمریکا به ارمغان بیاورد. آن‌ها به نواحی مختلف فرستاده می‌شدند و با دست‌مزدی کم شروع به کار می‌کردند.^۲ علاوه بر آن، بستگان این افراد که در ایرلند مانده بودند برایشان پول می‌فرستادند که این باعث تزیق نقدینگی زیادی به آمریکا می‌گشت. کمی که از اوج مهاجرت کاسته شد، رفتار مقامات آمریکایی نیز تغییر کرد. آن‌ها می‌دانستند که در جریان قحطی بیماری‌های مهلکی در ایرلند شایع شده است، به همین دلیل محدودیت‌های زیادی را برای مهاجران ایجاد کردند. آن‌ها رفتار مناسبی با ایرلندی‌ها نداشتند.^۳ روزهای زیادی سپری می‌شد تا به کشتی‌ها اجازه‌ی تخلیه داده شود. همواره ایرلندی‌ها را محدود و در نواحی مشخصی نگه می‌داشتند و مانند برده از آن‌ها کار می‌کشیدند. مردم نیز به ایرلندی‌ها، به چشم عقب‌افتاده می‌نگریستند.

1. *Black Potatoes: The Story of the Great Famine, 1845-1850*, p. 96.

2. <http://www.irishdiaspora.net/> (Accessed on 26/3/2013)

3. Megan O'Hara, (2002), *COMING TO AMERICA- IRISH IMIGRANTS 18420-1920, USA*: Captone Press, pp. 14-20.

مغازه‌داران و تاجران علاقه‌ای به استخدام آن‌ها نداشتند. آن‌ها روی درب مغازه‌ی خود واژه‌ی NINA را نصب کرده بودند، به این معنی که: «برای ایرلندی‌ها کاری نیست.»^۱ شرایط کشتی‌های مسافربری نیز بسیار نامطلوب بود. بسیاری از افراد که در زمستان مهاجرت می‌کردند یا در راه گرفتار طوفان می‌شدند و یا به خاطر شرایط بد زندگی در کشتی دچار بیماری می‌شدند، بدون آن‌که دکتری در کشتی حضور داشته باشد. کشتی‌ها با چند برابر ظرفیت خود راهی اقیانوس می‌شدند. تنها یک فرد آلوده کافی بود تا در کابین‌های نمناک و کوچک آلودگی را سرایت دهد.^۲ یکی از بدترین رویدادها در جریان انتقال مهاجرین، در یک کشتی اُفتاد که به سمت کانادا در حرکت بود.^۳ این کشتی با ۴۴۰ مسافر از ایرلند راهی شد، اما ۳۱۱ نفر از آن‌ها بر اثر بیماری، غرق شدن و گرسنگی جان باختند. این اتفاق آنقدر وحشتناک بود که به این کشتی، کشتی تابوت لقب دادند.^۴



شکل ۲-۱) مقصد مهاجران ایرلند در بین سال‌های ۱۸۲۱ تا ۱۹۲۰

مأخذ: <http://www.wesleyjohnston.com/users/ireland/past/famine/emigration.html>

در جریان قحطی، شهرها و روستاهای ایرلند در حال تخلیه‌ی کامل بود. این امر برای بریتانیایی‌ها خوشایند بود. آن‌ها در زمان مهاجرت‌ها، شدیداً درگیر نزاع‌های داخلی و

1. No Irish Need Apply

2. <http://www.brad.ac.uk/acad/diaspora/guides/samerica.shtml> (Accessed on 12/2/2013).

3. James J. Mangan, (1994), *Robert Whyte's 1847 FAMINE SHIP DIARY-THE JOURNEY OF AN IRISH COFFIN SHIP*, Ireland: Mercier Press, p. 100-110.

4. *Black Potatoes: The Story of the Great Famine, 1845-1850*, pp. 119-130.

خارجی ایجاد شده در اروپا بودند. در فرانسه، اطریش، ایتالیا و آلمان جنبش‌هایی در حال شکل‌گیری بود. این شرایط برای جان راسل^۱، وزیر وقت بریتانیا و ملکه ویکتوریا هشدار دهنده بود. آن‌ها بیمناک بودند جنبش‌ها در ایرلند نیز آغاز شود. در بحبوحه‌ی جنبش‌ها در اروپا و در زمانی که به دلیل متروکه شدن و مهاجرت، نگاه‌ها از ایرلند به سوی اروپا معطوف شده بود، گروهی با نام «ایرلند جوان» تأسیس شد. آن‌ها در انتظار فرصتی برای بروز بودند، اما قدرت کافی نداشتند. کمی که گذشت این قدرت نیز به دست آمد. محصول سیب‌زمینی در ۱۸۴۸ دوباره فراوان و پُربازده بود. این برداشت موفق روح تازه‌ای در بسیاری از اعضای گروه ایرلند جوان دمید و آن‌ها را برای جنگ آماده کرد. انقلابی که در دیگر نقاط اروپا شروع شده بود، در ایرلند نیز آغاز شد.

۳-۲) ادبیات پس از قحطی

ادبیات نیز در دوران بروز قحطی به سیاست آغشته شد. انگلیسی‌ها در طول سالیان قحطی، همواره کوشیده بودند تا ایرلندی‌ها را به حال خود رها کنند. آن‌ها از روزنامه‌های معروف در آن زمان، مثل تایمز و نیشن^۲ بهره جستند تا رفتار خود را در قبال ایرلند طبیعی جلوه دهند. نکته‌ی بسیار جالب آن بود، که از ابتدای ۱۸۴۵ مقالات بسیاری در این روزنامه‌ها به چاپ رسید که شرایط بریتانیا را حتی فجیع‌تر از ایرلند نشان داد، این در حالی بود، که بسیاری از دولتمردان، بریتانیا را آبادترین و پیشرفته‌ترین قلمروی وقت می‌دانستند. در یکی از مقالات منتشر شده به تاریخ ۱۶ آگوست ۱۸۴۵، در روزنامه‌ی نیشن اینگونه آمده است: «مردم بریتانیا فقر دردآوری را تحمل می‌کنند. آن‌ها مردمی نادان هستند، زود از کوره درمی‌روند... در بسیاری از نقاط آن‌ها نمی‌دانند خدا چیست! آن‌ها در یک زندگی پست ناشی از فقر و بربریت دست‌وپا می‌زنند... میزان حماقت و بربریت آن‌ها از هر احمق و از هر بربری بیشتر است!»^۳ بسیاری از صفحات این روزنامه‌ها به گزارش کودک‌کشی، همسرکشی و قتل در بریتانیا پرداخت تا اوضاع اجتماعی را بسیار نابسامان نشان دهد. موضوع فقر و بربریت انگلیسی‌ها تا آن‌جا پیش رفت، که در این زمان رمان‌هایی با سبک رمان‌های چارلز دیکنز و الیزابت گسکل^۴، که آشکارا بازتاب‌دهنده‌ی فقر مفرط

1. Lord John Russell, Prime Minister of the United Kingdom in the mid-19th century.

2. The Times, The Nations.

3. Melissa Fegan, (2002), *Literature and the Irish Famine 1845-1919*, Oxford: Clarendon press, p. 34.

4. Charles Dickens (1812-1870), Elizabeth Gaskell (1810-1865).

انگلیسی‌هاست به رشته‌ی تحریر درآمد. رمان‌های دیوید کاپرفیلد و الیور توئیست^۱ اثر دیکنز از جمله‌ی مشهورترین رمان‌ها در این زمینه‌اند.^۲

زمانی که بر همگان مشخص شد، که قحطی تنها در ایرلند پیشرفت کرده است و خطری اروپا را تهدید نمی‌کند؛ موج جدیدی از مقالات به چاپ رسید که فقر و بدبختی بریتانیا را دلیلی برای پرهیز از کمک به ایرلند عنوان کرد. علاوه بر این‌گونه سوء تفسیرها، عده‌ای دیگر ایرلند را عقب‌گردی در تمدن اروپا قلمداد کردند و شرایط مردم این کشور را بدتر از شرایط بیابان سیبری خواندند، اما آن‌ها نیز برای کمک دست نگه داشتند. در مقاله‌ی تاریخ یک آوریل ۱۸۴۶، در روزنامه تایمز این‌گونه آمده است: «ایرلند اکنون لکه‌ی ننگی برای بریتانیاست... در زمانی که پرچم پیروزی و پیشرفت در دستان بریتانیاست، ایرلند یادآور پستی و وحشی‌گری بی‌اندازه است...»^۳ تصاویر زننده از ایرلندی‌ها و پایین نشان دادن شأن و منزلت انسانی آن‌ها نیز در بسیاری از روزنامه‌ها به چاپ رسید تا چهره‌ی ایرلندی‌ها را مردمی متعصب و خشن که نباید به آن‌ها کمک کرد و مستحق کارگری هستند نشان دهد. (شکل ۱-۳).



شکل ۱-۳) چند نمونه از جنجال تبلیغاتی روزنامه‌های بریتانیا در زمان بروز قحطی. الف. روزنامه‌ی پانچ در ماه دسامبر ۱۸۴۶. ب. همان روزنامه ماه ژانویه ۱۸۴۶ج. همان.

مأخذ: Melissa Fegan, (2002), *Literature and the Irish Famine 1845-1919*, Oxford: Clarendon press

1. David Copperfield, Oliver Twist.
2. Sheila M. Smith, (1980), *The Other Nation: The Poor in English Novels of the 1840s and 1850s*, Oxford and New York: Clarendon Press and Oxford University Press, pp. 15-16.
3. Melissa Fegan, (2002), *Literature and the Irish Famine 1845-1919*, Oxford: Clarendon press, pp. 35, 38, 39, 47, 51.

نتیجه

آنچه گذشت روایت قحطی بزرگ ایرلند در سال‌های ۱۸۴۵ تا ۱۸۴۹ بود. یک قارچ بیماری‌زای گیاهی که تا مدت‌ها در ایرلند، حضور نداشت به دلایل نامعلوم وارد کشور شد و بیش از نیمی از محصول سیب‌زمینی را نابود ساخت. این اتفاق با شرایط نامطلوب اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و از همه مهم‌تر مذهبی همراه شد و تبعات ناگواری را برای ایرلند رقم زد. تلفیق شرایط نامطلوب فوق و جهت‌گیری خصمانه‌ی دولت بریتانیا و سپس ایالات متحده در طول قحطی در قبال مردم گرسنه‌ی ایرلند، مصیبت‌ها را دوچندان کرد. در نتیجه، بیش از یک میلیون نفر از ایرلند مهاجرت کردند، نزدیک به یک میلیون نفر جان باختند و عده‌ای که باقی ماندند در خفا انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی بعدی را رقم زدند. نکته‌ی بسیار مهم در این رابطه، نقش غیرقابل انکار کشاورزی در تغییر اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی است. خطرات وابستگی بیش از حد مردم ایرلند به محصول سیب‌زمینی، که به صورت تک‌کشتی تمام مناطق ایرلند را در نوردیده بود، تنها پس از نابودی این محصول نمودار شد. هرچند تبعات این قحطی، دردناک و ناگوار بودند، اما محرکی برای دانشمندان شد تا بکوشند در جامعه‌ای که عامل مصیبت‌ها و فجایع به گردن خدایان می‌افتد، مسئول نابودی سیب‌زمینی‌ها را بیابند.

دوران کلاسیک به پایان رسیده است و بعید به نظر می‌رسد فاجعه‌ی ۱۸۴۵ تکرار شود، اما نابودی محصولات کشاورزی و تبعات پس از آن، همچنان در حال تأثیر بر جوامع انسانی است، و هشداری جدی برای دولتمردان، تا به عرصه‌ی بنیادی کشاورزی و نقش عوامل بیماری‌زای گیاهی در برهم‌کنش مؤلفه‌های یک اجتماع با کشاورزی نگاهی ویژه داشته باشند. در نگاهی کلان‌تر، لزوم توجه بیشتر محققان علوم انسانی، تاریخ و علوم اجتماعی به تغییر و تحولات ناشی از کشاورزی می‌تواند راهکار مناسبی برای پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی در آینده باشد.

فهرست منابع و مآخذ

- آهون‌منش، علی، (۱۳۸۶)، *اصول مبارزه با بیماری‌های گیاهی*، اصفهان: مرکز نشر دانشگاه صنعتی اصفهان.

- Aalen, F.H.A., Whelan, Kevin & Stout, Mathew, (1997), *The Atlas of the Irish Rural Landscape*, USA: University of Toronto Press.
- Adelman, Paul, (1989), *Peel and Conservative Party: 1830-1850*, USA: Longman.
- Agrios, George N., (2004), *Plant pathology*, USA: Academic Press.
- Bartoletti, Susan Campbell, (2001), *Black Potatoes: The Story of the Great Irish Famine, 1845-1850*. USA: Houghton Mifflin Company.
- Blake, Robert, (1967), *Disraeli*, USA: St. Martin's Press.
- Bogerson, Joseph, (1837), *The Farmer Magazine Volume The Sixth*, Unknown place: Unknown publisher.
- Brougham, Feargal, (2008), *The Great Famine*, USA: M. Evans and Company.
- Bryson, Bill, (2003), *A short history of nearly everything*, USA: Brodways.
- Curtin, Gerard, (2000), *A Pauper Warren: West Limerick 1845-1849*, Ireland: Sliabh Luachra Books.
- Durant, Will & Durant, Ariel, (1935-1975), *The Story of Civilization*, Vol. 11, USA: Simon and Schuster.
- Edwards, Robert D. & Williams, Thomas D., (1997) *The Great Famine: Studies in Irish History 1845-52*, USA: Lilliput Press.
- Fegan, Melissa, (2002), *Literature and the Irish Famine 1845-1919*, Oxford: Clarendon press.
- Grant Fuller, John, (1968), *The day of St. Anthony's fire*, London: Hutchinson.
- Honour, Hugh, (2005), *World History of Arts*, United Kingdom: Laurence King Publishing.
- Joel, Moykor & O Grada, Cormac, « Poor and getting poorer? Irish living standards before the Famine», *Economic History Review*, 1988, Volume 51, 209-35.
- Kinealy, Christine, (1994), *This Great Calamity: The Irish Famine, 1845-1852*, USA: Gill & Macmillan.
- Littlefield, Henry W., (1978), *HISTORY OF EUROPE since 1815*, USA: Barnes & Noble.
- Loades, David, (2007), *HENRY VIII; Curt, church and Conflict*, Great Britain: The National Archives.
- Lusztig, Michael, (1994), «Solving Peel's puzzle: Repeal of the Corn Laws and institutional preservation», *Comparative Politics*, Vol. 27(1): 393-408.
- Lyons, F.S.L., (1985), *Ireland since the famine*, USA: Fontana.
- Mangan, James J., (1994), *Robert Whyte's 1847 FAMINE SHIP DIARY-THE JOURNEY OF AN IRISH COFFIN SHIP*, Ireland: Mercier Press.
- Morash, Christopher, (1995), *Writing the Irish famine*, Great Britain: Oxford University Press.
- kasha, Samir, (2002), *Philosophy of Science: A Very Short Introduction*. USA: Oxford University Press.
- Grada, Cormac, (2004), *Ireland's Great Famine: An Overview*, Ireland: University College Dublin.
- Grada, Cormac (2009), *Famine: A Short History*. USA: Princeton University Press.
- Hara, Megan, (2002), *COMING TO AMERICA- IRISH IMIGRANTS 18420-1920*, USA: Captone Press.
- Murchadha, Ciaran, (1998), *Sable wings over the land: Ennis, County Clare, and its wider community during the great Famine*, Ireland: Clasp Press.

- Neil, Joseph R., (2009), *The Irish Potato Famine*, USA: Abdo Publishing Company.
- Poirteir, Cathal, (1995), *Famine echoes*, Dublin: Gill & Macmillan.
- Smith, Sheila M., (1980), *The Other Nation: The Poor in English Novels of the 1840s and 1850s*, Oxford and New York: Clarendon Press and Oxford University Press.
- Somerset Fry, Plantagenet & Somerset Fry, Fiona, (1988), *A history of Ireland*, Britain: Routledge, Chapman & Hall, Incorporated.
- Spanos, Nicholas & Gottlieb, Jack, «Ergotism and the Salem Village Witch Trials», *Science*, Volume 194, Issue 4272, pp. 1390-1394.

